

تعادل







از فراگیر انتظار می‌رود پس از پایان این فصل بتواند:

- ۱- مفهوم تعادل را شرح دهد.
- ۲- نیروهای بصری در محدوده کادر را بشناسد.
- ۳- انواع تعادل را نام ببرد.
- ۴- تعادل متقارن را تشخیص دهد.
- ۵- شیوه ایجاد تعادل نامتقارن در هر تصویر را توضیح دهد.
- ۶- شیوه‌های ایجاد وزن ذهنی و بصری در تصویر را بداند.
- ۷- علت بهره‌گیری از تعادل ناپایدار در بعضی آثار هنری را تشخیص دهد.
- ۸- در اجرای تمرینات (به صورت فردی یا گروهی) با توجه به هدف کار، تعادل مناسب ایجاد کند.

درس در یک نگاه

- مهم‌ترین عامل فیزیکی و مؤثر بر حواس بشر، حفظ تعادل است.
- انسان آگاه یا ناخودآگاه، در ارزیابی‌های بصری خود، به وجود تعادل و توازن توجه می‌کند.
- یک محور عمودی بر یک پایه افقی، از مهم‌ترین عوامل سنجش تعادل هستند.
- با تقسیم وزن بصری به‌طور مساوی در طرفین محور عمودی بر خط افق احساس تعادل می‌کنیم.
- به‌خاطر حسی که ما از مرکز ثقل و تجربه‌هایمان از جاذبه زمین داریم، بیشتر به دیدن وزن روی زمین عادت داریم و احساس آرامش و ثبات را براساس محور افقی بهتر احساس می‌کنیم.

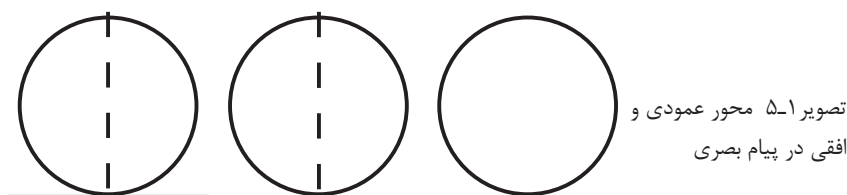
- در طبیعت تعادل و توازن بقاء، در رابطه متقابل میان چرخه زندگی و زنجیره غذایی جانداران و گیاهان معنا پیدا می‌کند.
- در فیزیک، تعادل مبتنی بر قوانین بقای نیروهاست.
- در هنرهای تجسمی تعادل امری بصری است و نتیجه مجموعه شرایطی از قبیل وزن، ایستایی، تضاد نیروها و یا ویژگی‌ها و شرایطی که انسان از راه حواس خود درک می‌کند، می‌باشد.
- محدوده (کادر) و فضای اثر بر نیروهای بصری تأثیر می‌گذارد و نیروهای بصری را محصور می‌سازد و از ورود نیروهای بیرون از آن به داخل جلوگیری می‌کند.
- با پیدایش هر اثر خوب بصری یک کل متعادل و متوازن به وجود می‌آید که نتیجه ترکیب اجزای آن است.
- تعادل را به دو روش کلی متقارن و نامتقارن می‌توان به دست آورد.
- ساده‌ترین راه به دست آوردن تعادل استفاده از تقارن است.
- در تعادل متقارن همه عناصر نسبت به محورهای افقی و عمودی و حتی مورب سنجیده می‌شوند.
- ترکیب قرینه معرف زمان، محیط و ذهنیتی آرام، متعادل، متوازن و ایستا است.
- امروزه هنرمندان با ذهنی پویا و پرتحرک و متفاوت تر از گذشته، از ترکیب متقارن برای رسیدن به تعادل، کمتر بهره می‌گیرند.
- درک بصری طرح‌های پیچیده با تزئینات زیاد دشوار است، اما تقارن از دشواری درک آن می‌کاهد.
- در برخی آثار نوعی تقارن به نام «قرینه در بی قرینگی» مطرح است.
- نوعی تعادل به نام شعاعی در زیر مجموعه تعادل متقارن وجود دارد که در آن تمام عناصر از یک مرکز مشترک به صورت شعاعی یا مدور خارج می‌شوند.
- در طراحی صنعتی، در ساخت اشیای زیادی همچون چتر، چرخ دوچرخه، پروانه هواپیما و... از این ساختار متعادل بهره می‌گیرند.
- در صنایع دستی و طراحی سنتی خصوصاً شمسه در تذهیب و برخی از نقوش در طراحی فرش نیز ساختار شعاعی مشاهده می‌شود.
- چشمگیر بودن همه اجزا به تعادل سراسری (تکراریکنواخت) می‌انجامد. این شیوه در حقیقت نوعی تعادل متقارن است.

- دومین نوع تعادل، نامتقارن نامیده می‌شود که عناصر براساس وزن، ارزش یا انرژی بصری آن متعادل می‌شوند. عدم تقارن دارای تحرک، تنوع، هیجان و جذابیت بصری بیشتری است.
- تعادل نامتقارن در شرق دور از طریق فضاهای خالی (خلأ) صورت می‌گرفت و هدف هنرمند وادار کردن انسان به تفکر و هدایت به درونیات و فضای عارفانه است.
- توازن، تعادلی است که براساس وزن یا سنگینی به وجود می‌آید.
- علم فیزیک و درک بصری، هر دو از قانون موازنه با وزنه و اهرم بر تکیه‌گاه پیروی می‌کنند.
- مدت زمان توجه و نگاه کردن با دقت در بخشی از تصویر، موجب افزایش وزن ذهنی آن بخش از تصویر می‌شود که با وزن بصری بخش دیگری از تصویر، تعادل نامتقارن ایجاد می‌کند.

تعادل^۱ بصری

مهم‌ترین عامل فیزیکی و مؤثر بر حواس بشر، حفظ تعادل است. ریشه و اساس همه توانایی‌های انسان بستگی به حس تعادل دارد و چنانچه این حس در انسان کاهش یابد، حرکات بدن وی فاقد تعادل خواهد شد. حتی می‌توانیم تأثیر عدم تعادل را در چهره شخصی که به طور ناگهانی تعادلش به هم خورده است تماشا کنیم!

انسان به صورت غریزی در ارزیابی‌های بصری خود به وجود تعادل و توازن توجه می‌کند و سریع‌تر از آنکه به صورت علمی، مرکز ثقل تصاویر را محاسبه کند، آن را دریافت می‌نماید. زیرا هنگام دیدن یا بیان یک پیام بصری، ابتدا برای آن یک محور عمودی بر یک پایه افقی، در نظر می‌گیرد. این دو محور از مهم‌ترین عوامل سنجش تعادل هستند. همان‌گونه که در طراحی نیز فراگرفته‌ایم برای ترسیم اشیاء از محور عمودی و افقی استفاده می‌نماییم چرا که با تقسیم وزن بصری به‌طور مساوی در طرفین محور عمودی، بر خط افق احساس تعادل می‌کنیم (تصویر ۵-۱).





تصویر ۵-۲ طراحی شیر، رامبراند ون راین، آب مرکب روی کاغذ

به خاطر حسی که ما از مرکز ثقل و تجربه‌هایمان از جاذبه زمین داریم، بیشتر به دیدن وزن روی زمین عادت داریم و احساس آرامش و ثبات را براساس محور افقی بهتر احساس می‌کنیم.

در طراحی شیر رامبراند، شیر وحشی را در حالتی آرام با کشش افق طراحی نموده است. البته نگاه نافذ شیر و چند ضربه قلم تیره به ما می‌گوید که این شیر همیشه آرام نخواهد بود (تصویر ۵-۲).

چند طراحی روی محور افقی از هنرمندانی متفاوت را ببینید (تصویر ۵ و ۴ و ۵-۳). آرامش کرگدن‌های خوابیده و حرکت کند و سنگین کرگدن تنها را مقایسه کنید. قرار گرفتن آنها بر روی محور افقی حس توازن و آرامش را به ما القاء می‌کند. در طبیعت تعادل و توازن بقاء در رابطه متقابل میان چرخه زندگی و زنجیره غذایی جانداران و گیاهان معنا پیدا می‌کند و در فیزیک، تعادل مبتنی بر قوانین بقای نیروهاست (تصویر ۵-۶).

در هنرهای تجسمی تعادل امری بصری است و نتیجه مجموعه شرایطی از قبیل وزن، ایستایی، تضاد نیروها و یا ویژگی‌ها و شرایطی که انسان از راه حواس خود درک می‌کند، می‌باشد. اگر یک اثر طراحی یا نقاشی از تعادل کافی برخوردار نباشد، ما با دیدن آن احساس آرامش و توازن نمی‌کنیم. در یک اثر هنری، تعادل زمانی حس می‌شود که

کنش و واکنش تمام نیروهای بصری (تضاد نیروها) منجر به یک موازنه شود، به طوری که برای ایجاد تعادل بیشتر نتوان هیچ تغییری در ترکیب آن به وجود آورد. هنرمندان برای القای حس تعادل در آثارشان همواره نیروهای بصری را براساس فضای مورد نظر یا محدوده (کادر)، موازنه می‌کنند. محدوده و فضای اثر بر نیروهای بصری تأثیر می‌گذارد و نیروهای بصری را محصور می‌سازد و از ورود نیروهای بیرون از آن به داخل جلوگیری می‌کند. با توجه به شکل محدوده و یا فضای اثر هنرمند نیروهای بصری را سامان دهی و روابط نیروها را بایکدیگر ترکیب می‌کند هر عنصر بصری می‌تواند نیروهای درون محدوده را فعال کند.



تصویر ۴-۵ طراحی از کرگدن در راه رفتن



تصویر ۳-۵ طراحی از کرگدن‌ها، بلک رینوس



تصویر ۵-۵ طراحی از انسان در حالت خوابیده - کادر افقی با حالت خواب هماهنگی مناسبی دارد.



تصویر ۵- لینا گانوان - عکس از پرنده

انواع تعادل

تعادل را به دو روش کلی متقارن و نامتقارن می‌توان به دست آورد و انواع دیگری از آن به نام تعادل شعاعی و الگوی سراسری (تکرار یکنواخت) وجود دارد که اغلب از آنها به عنوان زیر مجموعهٔ روش متقارن یاد می‌کنند.

تعادل متقارن

ساده‌ترین راه به دست آوردن تعادل، استفاده از تقارن است زیرا همه عناصر نسبت به محورهای افقی و عمودی و حتی مورب سنجیده می‌شوند. درک این نوع تعادل ساده

است و همین امر باعث شده تا در طول تاریخ اغلب در هنرهای تجسمی و معماری، کاربردی و دستی و... مورد استفاده قرار گیرد. در آثار هنری ایران قبل از اسلام و پس از اسلام تقارن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ترکیب قرینه معرف زمان، محیط و ذهنیتی آرام، متعادل، متوازن و ایستا است. (تصویر ۵-۷) امروزه هنرمندانی که با ذهنی پویا، پرتحرک و متفاوت‌تر از گذشته از این روش برای رسیدن به تعادل کمتر بهره می‌گیرند، سعی در به‌کارگیری شیوه‌های جدیدتری از ترکیب‌بندی در آثارشان دارند (تصاویر ۵-۸ الی ۵-۱۱).



تصویر ۵-۷ خیال، هری هرکاء، نقاشی رنگ روغن روی بوم، تقارن برای نشان دادن زمان (کهولت سن)، خاموشی، بی‌حرکی و اندوه



تصویر ۵-۸ ماسک آفریقایی



تصویر ۵-۱ بشقاب زیر لعابی، خط کوفی تزئینی، ایران



تصویر ۵-۹ بازوبند زرین، دوره هخامنشی



تصویر ۵-۱۱ کاغذبری، شاپرک



تصویر ۵-۱۲ رودوزی سنتی

در آثار معماری دوران باستان و آثار مذهبی اغلب از تقارن بهره گرفته شده است. تعادل قرینه در این آثار موجب فضایی آرام و موزون و پایدار می‌شود (تصویر ۱۴ و ۱۳-۵).



تصویر ۱۳-۵ تخت جمشید



تصویر ۱۴-۵ تاج محل، مقبره ممتاز محل بیگم (همسر شاه جهان)، آگرا، هند

به کمک سازماندهی متقارن، نقش‌های پرکار و شلوغ، متصل به هم به نظر می‌رسند و به وحدت می‌رسند. به این معنی که عناصر متعدد واقع در هر نیمه تصویر در مقابل نیمه انعکاس یافته خود، به نحوی شگفت‌انگیز، نظم منطقی و فضایی رسمی، حتی خاموش می‌یابند. درک بصری طرح‌های پیچیده با تزئینات زیاد دشوار است، اما تقارن از دشواری درک آن می‌کاهد (تصاویر ۱۶ و ۱۵-۵).



تصویر ۵-۱۶. پوستر، ۲۵ سال پوستر تئاتر ایران



تصویر ۵-۱۵. قالی محرابی - ایران



تصویر ۵-۱۷. منظره

امروزه در نقاشی و عکاسی، تعادل متقارن کاربرد کمتری دارد، مگر اینکه تصویری در آب یا آینه انعکاس یافته باشد و یا تعمدی برای نشان دادن تقارن وجود داشته باشد (تصویر ۱۷-۵). زیرا هنرمند معاصر، دیگر با ترکیبات متوازن و قرینه نمی‌تواند دنیای پرتحرک این عصر را به تصویر کشاند.

قرینه در بی قرینگی

در بعضی از آثار ضمن اینکه هنرمند از تقارن بهره گرفته است، اما برای پرهیز از یکنواختی و تکرار، تغییراتی در جزئیات وارد کرده است. در این گونه آثار عامل تقارن به شکل هندسی و متعارف آن قابل دریافت نیست، ولی نوعی تقارن به نام **قرینه در بی قرینگی** در آن مطرح است. در آثار نگارگری اغلب تقارن به این شیوه ایجاد می‌شود. در آثار هنرمندان دیگر نیز (تصویر ۱۹ و ۱۸-۵) از این شیوه استفاده می‌شده است.



تصویر ۱۸-۵ شاهنامه، رزم رستم و اشکبوس



تصویر ۵-۱۹ ریا پوشکین، نقاشی آبرنگ

تعادل شعاعی

نوعی تعادل به نام شعاعی در زیر مجموعه تعادل متقارن وجود دارد که در آن تمام عناصر از یک مرکز مشترک به صورت شعاعی یا مدور خارج می‌شوند (تصویر ۵-۲۰). خورشید با پرتوهای نوری که از آن سرچشمه می‌گیرد نماد آشنایی است که اساس این نظر را بیان می‌کند.



تصویر ۵-۲۰ تعادل شعاعی - کودکان افریقایی

پرتاب سنگی در آب ساکن، موج‌های متحدالمرکز ایجاد می‌کند. گل برگ‌ها در گل‌های شکفته طرحی شعاعی دارد. در تعادل شعاعی معمولاً احساسی از حرکت چرخشی و دوار در چشم انسان به وجود می‌آید. الگوهای شعاعی در طبیعت فراوان دیده می‌شوند (تصویر ۲۲ و ۲۱-۵).

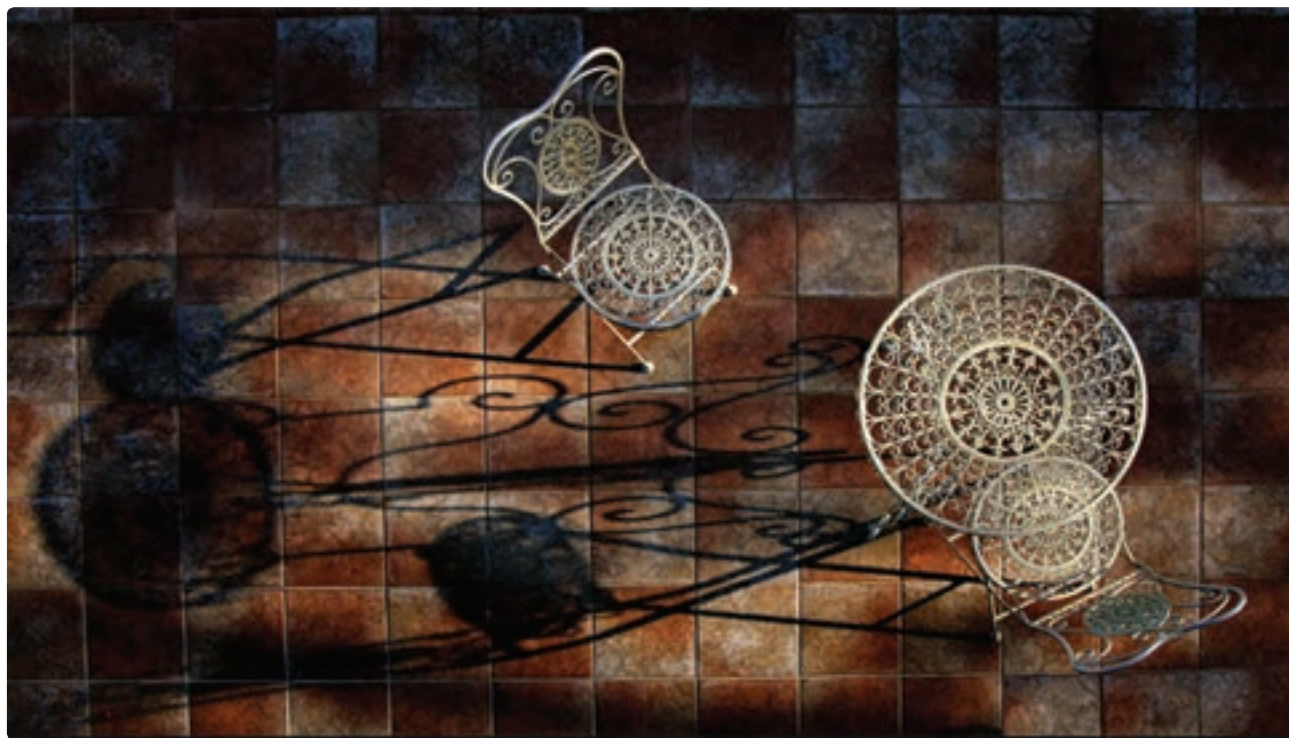
در ایران هنرمندان بسیاری از ساختار شعاعی ایده گرفته‌اند. در صنایع دستی و طراحی سنتی خصوصاً شمسه در تذهیب و برخی از نقوش در طراحی فرش نیز این ساختار مشاهده می‌شود (تصویر ۲۵ و ۲۴ و ۲۳-۵).



تصویر ۵-۲۱. تقارن شعاعی در قاصدک‌ها



تصویر ۵-۲۲. تقارن شعاعی در امواج ناشی از حرکت زنبور در آب



تصویر ۵-۲۳ آندرجا - عکس از میز و صندلی فرفورژه - ساختار شعاعی در طراحی میز و صندلی به کار رفته است.

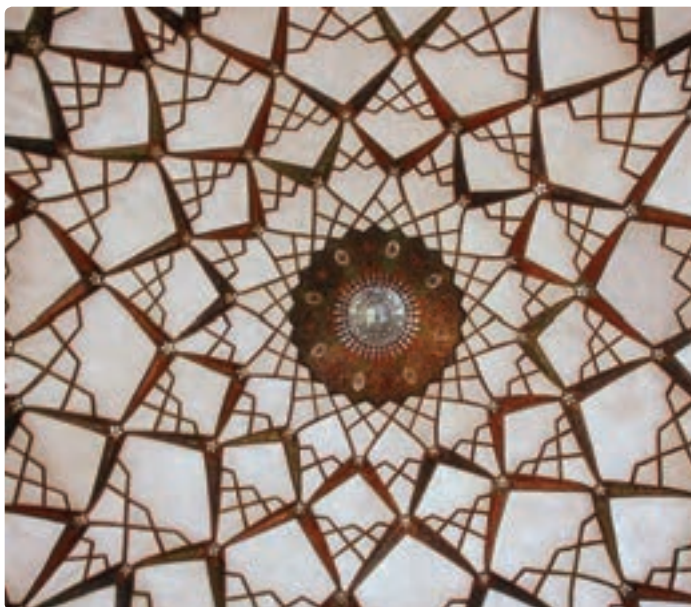


تصویر ۵-۲۵ تعادل شعاعی در طرح کاشی



تصویر ۵-۲۴ ظرف سنگی، هنر سنگ تراشی خراسان - تعادل شعاعی

در معماری اسلامی برای تزیین سقف گنبدها با هر مصالحی مانند: آجرکاری، کاشی کاری، مقرنس کاری، کاربندی و... از این نوع تعادل استفاده فراوان شده است (تصویر ۵-۲۶). در جهان غرب نیز ساختار شعاعی دست مایه هنرمندان قرار گرفته است (تصویر ۵-۲۷).



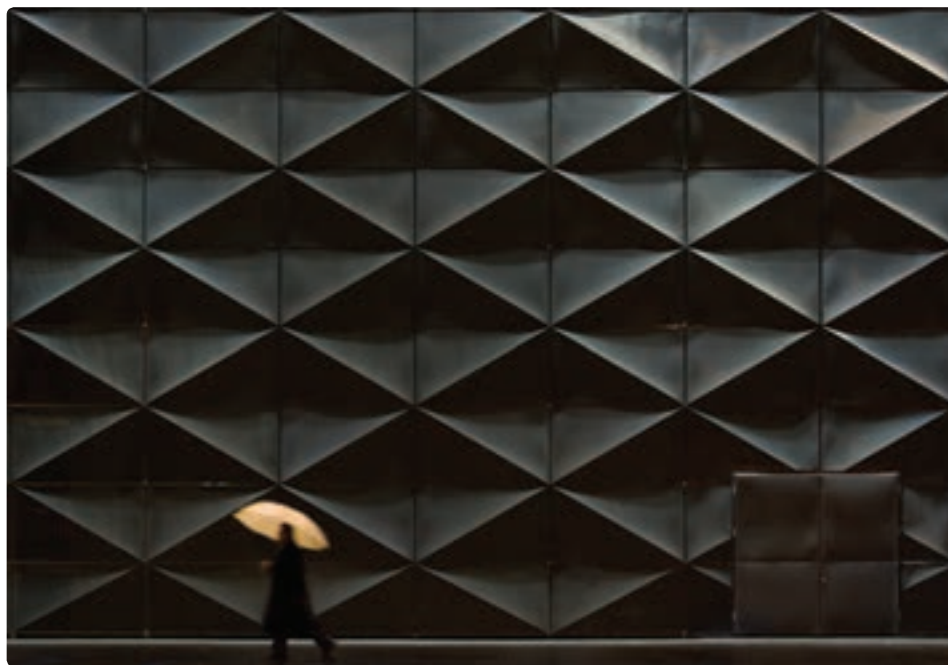
تصویر ۵-۲۶ تزیینات کاربندی شعاعی



تصویر ۵-۲۷ قندیل های یخی شعاعی - اندی گلدزورثی

الگوی سراسری (تکرار یکنواخت)

یکی از انواع خاص تعادل متقارن، بهره گیری از تأکید مساوی همه اجزا می باشد. در این موارد تساوی وزن و یا چشمگیر بودن همه اجزا به تعادل سراسری (یکنواخت) می انجامد. این شیوه در حقیقت نوعی تعادل متقارن است که با تکرار یکنواخت در همه جای طرح صورت می گیرد، نقطه شروع و پایان ندارد و به این سبب که حس تأکید بر کل را دارد یک مجموعه بزرگ را ایجاد می کند (تصویر ۳۰ و ۲۹ و ۵-۲۸).



تصویر ۵-۲۸ دراگان جودان سویک -
عکاسی از نمای ساختمان



تصویر ۵-۲۹ چیدمان گیاهی در الگوی سراسری



تصویر ۵۳۰ تصویرسازی با الگوی سراسری - محمدعلی بنی‌اسدی

تعادل نامتقارن

دومین نوع تعادل نامتقارن نامیده می‌شود که عناصر براساس وزن، ارزش یا انرژی بصری آن متعادل می‌شوند. اغلب هنرمندان در آفرینش آثار بصری خود از تعادل غیر قرینه بهره می‌گیرند زیرا عدم تقارن دارای تحرک، تنوع، هیجان و جذابیت بصری بیشتری است.

تعادل نامتقارن حالت غیر رسمی و نیرومندتری نسبت به تعادل متقارن ایجاد می‌کند و حس جالب و اغلب دوست داشتنی‌تری به تصویر می‌بخشد. به نظر می‌رسد که این نوع تعادل اتفاقی به دست می‌آید و یا ممکن است در نگاه اول نامتعادل به نظر برسد اما با کمی دقت می‌توان دریافت که این نوع تعادل برخلاف تعادل متقارن نیاز به تلاش و دقت و موشکافی بیشتر هنرمند و مخاطب دارد (تصویر ۳۲ و ۳۱-۵).



تصویر ۵-۳۱ جوزف آلبرز- طراحی کتابخانه - نامتقارن



تصویر ۵-۳۲ تصویرسازی کتاب کلاغ‌ها، اثر نورالدین زرین‌کلک



تصویر ۵-۳۳ تصویرسازی - محمدعلی بنی‌اسدی



تصویر ۵-۳۴ طراحی با ماژیک - ریچارد بولتون

در تابلوی مراسم خاکسپاری زیر چترها، موقعیتی خاص وجود دارد. تعادل نامتقارن از آن یک تصویر غیرمعمولی ساخته است. همه پیکره‌ها در سمت راست تصویر متمرکز شده‌اند و سمت چپ را فضای منفی فراگرفته است. دید مورب نسبت به صف منظم شرکت‌کنندگان در مراسم به وسیله باران مورب، بسیار ظریف متعادل شده است (تصویر ۵-۳۵). باید گفت که در این نوع تعادل گاه کفه ترازو به یک سمت سنگینی می‌کند و هنرمند آگاهانه سعی دارد از این نوع توازن نامتقارن برای القای مفهوم در اثر بهره‌گیرد. البته لازم به ذکر است که در آثار هنری که تعادل نامتقارن دارند، جداسازی شیوه متعادل سازی آن کمی پیچیده است. چرا که در بیشتر آثار بصری چندین روش همزمان به کار گرفته می‌شود اما باید بدانیم که همیشه شیوه اصلی برتری پیدا می‌کند.



تصویر ۵-۳۵. مراسم خاکسپاری زیر چترها، هنری ریویر، چاپ فلزی اچینگ

در تابلوی مادر، ابتدا سر پیکره، توجه ما را به خود جلب می‌کند. سپس متوجه صندلی راحتی، پرده و قاب روی

دیوار در کناره‌های تابلو می‌شویم. چشم ما به ترتیب آنها را مرور می‌کند و به سر پیکره باز می‌گردد. با آنکه تیرگی لباس چشم را به صورت قطری حرکت می‌دهد، اما به واسطه روشنی دست، دستمال و تور سر آستین متوقف می‌شود. سپس متوجه تیرگی قرنیز دیوار و پرده شده و به سمت بالا حرکت می‌کند و با قاب درگیر می‌شود و این گونه با یک گردش چشم به سر پیکره برمی‌گردیم و تعادل نامتقارن اثر را در می‌یابیم (تصویر ۵-۳۶). تعادل نامتقارن در شرق دور از طریق فضاهای خالی (خلاً) صورت می‌گرفت و هدف هنرمند وادار کردن انسان به تفکر و هدایت به درونیات و فضای عارفانه بوده است. این خصوصیت در آثار دوره سونگ بیشتر دیده می‌شود. آنها از فضاهای خالی وسیع (فضای منفی) برای ایجاد تعادل در مقابل فضای پر (سطوح مثبت) استفاده می‌کنند. در نقاشی این دوره هیچ گاه موقعیت تماشاگر نسبت به منظره معین نیست، زیرا هنرمند، تماشاگر را در درون منظره می‌پندارد نه اینکه از خارج به آن نگاه کند. نقاشی این دوره بیانگر



تصویر ۵۳۶- مادر هنرمند، جیمز مک نایل ویسلر

صلح و یگانگی است. در آیین ذن نیز به آن «مراقبه در حال گسترش و آرامش مطلق» می‌گویند و نقاش با سکوت، مراقبه و تأمل نقاشی می‌کند و از فضای خلأ برای اندیشه و تأمل بهره می‌گیرد (تصویر ۳۷-۵).

یکی از نقاشان بزرگ سلسله سونگ^۱ می‌گوید: «منظره‌های نقاشی‌شده‌ای وجود دارد که می‌توان از میان آنها گذشت یا در آنها تأمل کرد، در برخی از آنها می‌توان پرسه

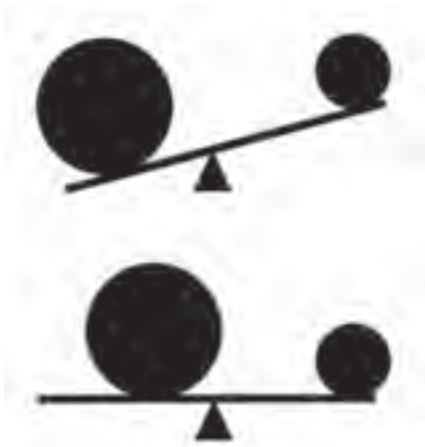
زد، اما در بعضی از آنها آدمی میل دارد بماند یا زندگی کند. هر کدام از این منظره‌ها به درجاتی از کمال دست یافته‌اند اما آنهایی که آدم دوست دارد در آنها زندگی کند، برتر است.»



تصویر ۵۳۷- قرقاول در میان درختان، مایوان خیزران نماد نجیب زاده‌ای چینی است که در روزگار تنگ دستی و فلاکت خم می‌شود ولی نمی‌شکند.

۱- سونگ یکی از سلسله‌های پادشاهی چین است. برای مطالعه بیشتر به کتاب سیر هنر در تاریخ ۱، تمدن چین مراجعه کنید.

توازن



تصویر ۳۸-۵ توازن دو وزنه نامساوی به کمک تنظیم نسبت به تکیه‌گاه

تعادلی که براساس وزن یا سنگینی به وجود می‌آید، یادآور قانون اهرم و تکیه‌گاه یا همان الاکلنگ، بازی دوران کودکی می‌باشد. شاید این چیستان کودکانه را به خاطر بیاورید که یک کیلو پنبه سنگین‌تر است یا یک کیلو آهن؟ البته که وزن هردو یکی است ولی مقدار حجم آن‌ها و فضایی را که اشغال می‌کنند متفاوت است.

در یک اثر هنری تعادل بر اثر موازنه نیروهای بصری متضاد ایجاد می‌شود. به طوری که نتوان برای موازنه بیشتر هیچ تغییری در ترکیب آن به وجود آورد. علم فیزیک و درک بصری هردو از قانون موازنه با وزنه و اهرم بر تکیه‌گاه پیروی می‌کنند. چنانکه از نظر بصری انسان ناخواسته مرکز تصویر یا میدان دید را به جای تکیه‌گاه در نظر می‌گیرد و برهمان اساس دو شیء با وزن نامساوی به شرطی روی اهرم به حالت موازنه قرار می‌گیرد که شیء سنگین به مرکز نزدیک‌تر باشد و شیء سبک‌تر دورتر از مرکز باشد (تصویر ۳۸-۵).

وزن ذهنی و بصری

تعال نامتقارن به کمک تحریک حس کنجکاوی بیننده ایجاد می‌شود. به این ترتیب که مدت زمان توجه و نگاه کردن با دقت در بخشی از تصویر، موجب افزایش وزن ذهنی آن بخش از تصویر می‌شود که با وزن بصری بخش دیگری از تصویر، تعادل نامتقارن ایجاد می‌کند. لازم است برای کنترل وزن ذهنی و بصری عناصر، نکات زیر را به خاطر بسپاریم:

- بزرگی یا کوچکی اشکال باعث ایجاد نیروی بیشتری در تصویر می‌شود.
- در تصویر ۳۹-۵ حروف بزرگتر قدرت بصری بیشتری نسبت به حروف کوچک‌تر دارند.
- موقعیت و قرارگیری شکل دور از مرکز کادر یا بالای کادر، آن را قوی‌تر از شکل مرکزی جلوه می‌دهد. اغلب این نوع تعادل کیفیتی دور از انتظار و حالت غیرمعمولی به ترکیب‌بندی می‌دهد و حتی ممکن است در نگاه اول آن را نامتعادل جلوه دهد. در تصویر ۴۰-۵ سه پیش خدمت سمت چپ قرار گرفته‌اند. پیش‌بندهای سفید، وزن آنها را سبک می‌کند. دو میز با بشقاب‌های روی هم انباشته شده در سمت راست به تصویر



تصویر ۵-۴۰ سه پیش خدمت - اوبری بردلی



تصویر ۵-۳۹ ترکیب‌بندی حروف بر اساس معنا و القای توازن، حروف balance



تصویر ۵-۴۱ بافت سست و درهم ریخته

تعادل کافی می‌بخشد. جهت شکل به سمت خروج از کادر قوی‌تر از شکل ساکن یا حرکت به درون کادر است.

● شکل‌های متراکم و فشرده، قوی‌تر از شکل‌های سست و درهم ریخته و پراکنده عمل می‌کنند (تصویر ۵-۴۱).

● شکل‌های هندسی و گوشه دار، قوی‌تر از شکل‌های بدون گوشه و نرم هستند. همین‌طور شکل‌های بسته قوی‌تر از شکل‌های باز هستند. سکون و پایداری در مثلث بر قاعده یا مربع روی یکی از اضلاع بیشتر از دایره و یا مثلث و مربع بر رأس یا لوزی است.

● شکل‌های پیچیده و موضوعات غیر معمولی از قدرت و نیروی بصری ویژه‌ای نسبت به شکل‌های ساده برخوردارند. موضوع غیرعادی در تصویر ۵-۴۲ موجب جلب نگاه و وزن بصری شده است.

● در بیشتر مواقع شکل‌ها و تصاویر تیره قوی‌تر از شکل‌های

روشن هستند. البته این امر بستگی به زمینه تیره و روشن هم دارد. در تصویر ۵-۴۳ خواننده اپرا، زن با لباس روشن در نور قرار گرفته است. بنابراین خز دور یقه و آستین و دستکش‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. در حالی که در قطار درجه سوم، زن‌ها در روشنایی قرار گرفته‌اند و پس زمینه نسبتاً تاریک است و موجب قدرت بصری موضوع اصلی شده‌اند (تصویر ۵-۴۴).



تصویر ۵-۴۲ طراحی ویژه - رافائل گارینو



تصویر ۵-۴۳ ادگاردگا، خوانندهٔ اپرا، پاستل گچی، بخشی از اثر



تصویر ۵-۴۴ انوره دومیه، قطار درجه سوم

● تعادل به وسیله ارزش بصری یکی از بهترین روش‌هاست. در تصویر ۵-۴۵ بدن در یک طرف قرار گرفته، ولی به واسطه هم‌رنگی و ارزش بصری مشابه آن، با فضای پس‌زمینه در حال موازنه است.



تصویر ۵-۴۵ با وجود قرارگیری طرح در یک سمت کادر تن‌رنگی مشابه و خطوط ظریف با تاریک و روشنایی بخش‌هایی از طرح، موجب ایجاد تعادل شده است.

● رنگ‌های متضاد، قوی‌تر از رنگ‌های هماهنگ و ملایم عمل می‌کنند. البته نیروی رنگ بستگی به اثرات ذهنی و روانی آن هم دارد. انواع تضاد رنگ از قبیل فام، مکمل، تاریک، روشنایی و کمیت رنگ و وسعت رنگ و ... دارای نیروهای بصری هستند (تصویر ۴۷ و ۵-۴۶).



تصویر ۵-۴۷ تعادل بر اساس فام و تاریک و روشنایی



تصویر ۵-۴۶ تعادل طرح و رنگ و متن در تصویرسازی

● بافت‌ها قدرت بصری ویژه‌ای دارند که نسبت به یکدیگر یا سطوح ساده، تضاد بصری ایجاد می‌کنند و اغلب زودتر مورد توجه قرار می‌گیرند. درمنظره‌ای از کوه فوجی هنرمند به وسیلهٔ بافت، ابرها را در آسمان و جنگل را پای کوه نشان می‌دهد و با استفاده از آن بافت، کوه بزرگ و قرمز رنگ را متعادل می‌کند (تصویر ۵-۴۸).

● حرکت سریع تصاویر و شکل‌ها موجب القای قدرت بصری بیشتری نسبت به حرکت آهسته آنها می‌شود. در تصویر ۵-۴۹ یوزپلنگ

هنگام دویدن، علاوه بر حرکت سریع، به لحاظ جهت حرکت مورب، نیروی بصری بیشتری یافته است.



تصویر ۵-۴۸ کوه فوجی - اثر هوکوسای - یکی از ۳۶ منظره کوه‌های فوجی

● زاویه دید خاص یا ترکیب بندی خاص نیز می تواند قدرت بصری ویژه ای ایجاد کند که در زاویه دید عادی این قدرت کاهش می یابد (تصویر ۵۲ و ۵۱ و ۵۰-۵۱). شیوه های دیگری نیز در زمینه ایجاد توازن وجود دارد که باید با جستجو و تجربه، آنها را به دست آورد. در ضمن می توان از یک یا چند روش و ترکیب آن ها با هم برای القای تعادل نامتقارن بهره گرفت.



تصویر ۵۴۹- حرکت سریع و جهت موزن نیروی بصری ویژه ای را آفریده است.



تصویر ۵۵۱- زاویه دید ویژه



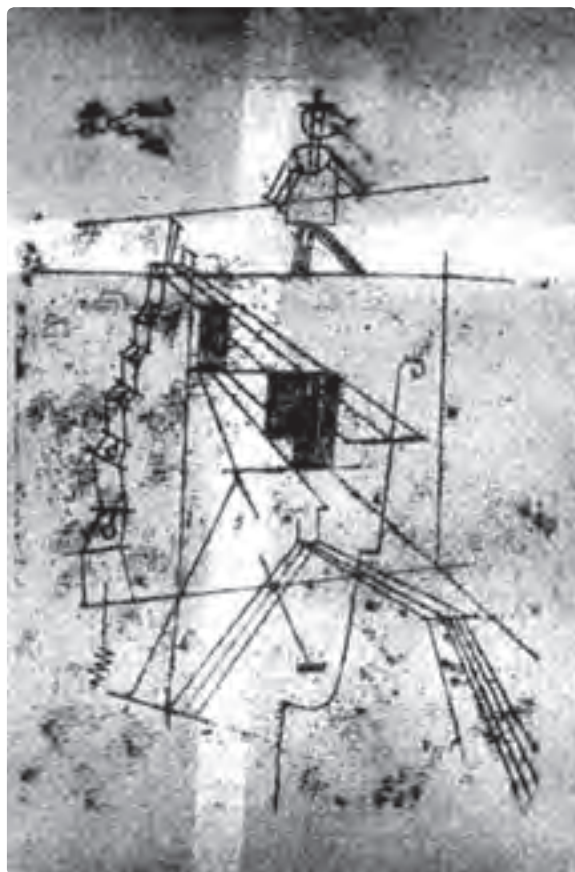
تصویر ۵۵۰- طراحی ویژه برای تبلیغات ورزشی



تصویر ۵۲-۵ رحمت مولینو - عکس ویژه

تعالل ناپایدار

آثار هنری بسیاری وجود دارد که به لحاظ انتخاب یک موضوع خاص، از عدم تعادل بهره گرفته باشند. در این گونه از آثار ناپایداری به عنوان یک ابزار برای پیام بصری به کار رفته است. ناپایداری در تعادل زمانی حس می‌شود که از لحاظ بصری، در بخش‌هایی از ترکیب بندی نیاز به تغییر یا تعویض احساس شود. تعادل ناپایدار بیان‌گر عدم استواری است که موجب تحرک و نشاط می‌شود. در شخصیت بندباز، دلک و... ناپایداری می‌تواند ویرانگر، جالب، هیجان‌انگیز، مضحک و سیال باشد که در ضمن جاذبه بصری هم ایجاد می‌کند (تصویر ۵۴ و ۵۳-۵).



برج کج پیزا در نزدیکی فلورانس ایتالیا شهرت جهانی دارد زیرا از تعادل قائم خارج شده است و به نظر می‌رسد که در حال فرو ریختن می‌باشد که البته تاکنون پابرجا ایستاده است. به این اثر نگاه کنید، تعادل ناپایدار از آن، اثری قابل توجه ساخته است (تصویر ۵-۵۵).

تصویر ۵-۵۳ بندباز، پل کلی، رنگ لیتوگرافی



تصویر ۵-۵۴ دلک، کولاز کاغذ رنگی



تصویر ۵-۵۵ طراحی با طبیعت

از میان تمرین‌های زیر، یکی را انتخاب و اجرا نمایید.

تمرین ۱

– در یک ساختار مشخص (شبکه‌ای، شطرنجی و...) به صورت الگوی سراسری به طراحی آزاد پردازید.

نکته: ساختار، محل قرارگرفتن شکل‌ها را در طرح مشخص می‌کند و نظم و ارتباط بین شکل‌ها را در طرح برقرار می‌شود.

تمرین ۲

– بخشی از حروف یا اعداد فارسی را انتخاب کنید.

– شکل‌ها را در یک ساختار منسجم به صورت قرینه شعاعی یا نامتقارن ترکیب کنید.

– از ترکیب یک یا دو جفت مکمل، خاکستری‌های رنگی به دست بیاورید و طرح خود را اجرا کنید.

تمرین ۳

– در کارگاه، از چند فیگور به صورت خطوط محیطی طراحی کنید.

– سپس طرح‌ها را به صورت دور و نزدیک به یک فضای واقعی یا غیرواقعی انتقال

دهید. (فضای واقعی مانند صف اتوبوس، انتظار کنار کیوسک تلفن و...)

– در ترکیب بندی طرح سعی کنید از تعادل نامتقارن بهره بگیرید.

– چند تصویر از آثار سنتی و آثار هنری معاصر ایران انتخاب کنید.

– نحوه ایجاد تعادل را در آنها بررسی کنید.

– به تصویر ۵۵-۵ مراجعه کنید و درباره علت استفاده از تعادل ناپایدار در آنها

گفتگو کنید.